

حروف مشبّهة بالفعل ، لای نفی جنس درس یک عربی دوازدهم منتشرک و انسانی

تعریف: حروفی هستند که بر سر مبتدا و خبر می‌آیند، مبتدا را منصوب و اسم خود می‌گردانند و خبر مرفوع باقی مانده، و خبر حروف مشبّهة بالفعل می‌شود.

حروف مشبّهة بالفعل: إِنَّ (همانا، بدرستی که) اَنَّ (که، اینکه) - كَأَنَّ (مثل اینکه گویا که) - لَيْتَ (ای کاش) - لَكِنَّ (ولی) - لَعَلَّ (امید است، شاید)

اسم حروف مشبّهة بالفعل { اسم ظاهر: لَعَلَّ الطَّالِبَاتِ نَاجِحَاتٌ
 ضمیر متصل: لَيْتَکِ صَادِقَةٌ }

تذکره: اسم حروف مشبّهة بالفعل هیچ‌گاه ضمیر متحرک نیست

بنابراین همیشه باید در جمله ریده شود

اسم: لَكِنَّ الوالدین شفیقان
 فعل: إِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذّنوبَ
 جار و مجرور: کَأَنَّ العزّة للمؤمنین

خبر حروف مشبّهة بالفعل

حروف مشبّهة بالفعل

نکات

۱) مطالبی که درباره‌ی مبتدا و خبر گفته شد در مورد اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل نیز صدق می‌کند. به مثال‌های زیر دقت کنید.

- لَكِنَّ علیکم صبراً: لَكِنَّ حروف مشبّهة بالفعل
 علیکم: خبر مقدم، (جار و مجرور)
 صبراً: اسم لَكِنَّ مؤخّر (نکره).

- إِنَّ الإسلامَ دینُ العبادَة و العمل: إِنَّ حروف مشبّهة بالفعل
 الإسلام: اسم إِنَّ و منصوب
 دین: خبر إِنَّ و مرفوع
 العبادَة: مضاف الیه و مجرور
 و العمل: معطوف

- کَأَنَّ أولئک الرجالَ فی الآخرة یفوزون: کَأَنَّ حروف مشبّهة بالفعل
 أولئک: اسم إِنَّ و منصوب
 الرجال: تابع منصوب به تبعیت
 فی الآخرة: جار و مجرور
 یفوزون: خبر، جمله‌ی فعلیه

۲) هرگاه مای کافّه (بازدارنده) به حروف مشبّهة بالفعل متصل شود این حروف را از عمل باز می‌دارد؛ در این حالت جمله متشکل از مبتدا و خبر (هر دو مرفوع) خواهد بود. (برای مطالعه)

إنّما الله واحد الله: مبتدا واحد: خبر

۳) پس از حروف مشبّهة بالفعل، «فعل» و «ضمیر منفصل» نمی‌آید.

۴) اگر جمله با ضمیر منفصل (مبتدا) آغاز شده باشد و بخواهیم قبل از آن حروف مشبّهة بالفعل بیاوریم باید ضمیر منفصل به ضمیر متصل تبدیل شود؛ مانند: انتم صادقون ← إِنْکُمْ صادقون

۵) گاهی اوقات «لِیت» به صورت «یا لِیت» می‌آید؛ یا لِیتنی کنْتُ تراباً

ایستگاه ترجمه

معانی حروف مشبّهة بالفعل:

در ترجمه‌ی «حروف مشبّهة بالفعل» به نکات زیر دقت کنید:

الف- **إِنَّ** (همانا - به درستی که)، در ابتدای جمله می‌آید، اما ترجمه کردن آن اختیاری است یعنی در تست‌های

ترجمه‌ی کنکور چه ترجمه شود و چه نشود گزینه درست است:

إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ ← همانا خداوند توانا است / خداوند توانا است.

إِنَّ التَّدْيِينَ فِطْرَتِي فِي الْإِنْسَانِ.

ب- **أَنَّ** (که - این که) در وسط جمله می‌آید و دو جمله را به هم ربط می‌دهد:

«قد رَوَى أَنَّ الرَّسُولَ الْأَكْرَمَ ذَهَبَ يَوْمًا إِلَى الْمَسْجِدِ»: روایت شده است که رسول اکرم روزی به مسجد رفت.

ج- **لِإِنَّ** (لا جازه + **أَنَّ**) به معنی «زیرا - برای این که» است:

اللَّهُ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ لِأَنِّي أَحْبَبْتُهُ كَثِيرًا: خداوند مرا وارد بهشت می‌کند زیرا او را بسیار دوست دارم.

د- **إِنَّمَا** به صورت «فقط، تنها و مسلماً» ترجمه می‌شود و به آن ادات حصر و تأکید می‌گویند و ترجمه‌ی آن الزامی

است: **إِنَّمَا اللَّهُ وَاحِدٌ**: فقط خداوند یکی است. **إِنَّمَا الصِّدْقَةُ وَاجِبَةٌ**: مسلماً راستی واجب است.

ه- در صورتی که خبر «لیت» و «لعل»، فعل مضارع باشد به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

لِيتَ الْإِنْسَانُ يُدْرِكُ سِرَّ هَذَا الْجَمَالِ: ای کاش انسان راز این زیبایی را درک کند.

لَعَلَّ الطَّلَاطِبَ يَنْجَحُونَ فِي الْامْتِحَانِ: شاید دانش‌آموزان در امتحان موفق شوند.

تذکره ۱: «**لَيْتَ** (ای کاش - کاش)» زمانی استفاده می‌شود که امکان وقوع فعل «**کَم**» و

«**لَعَلَّ**» (امید است - شاید) «مربوط به هنگامی است که امکان وقوع فعل «**زیاد**» است.

تذکره ۲: اگر پس از «**لَيْتَ**» فعل ماضی بیاید به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود:

لِيتَ أَصْدِقَائِي اجْتَهَدُوا فِي دَرُوسِهِمْ: ای کاش دوستانم در درس‌هایشان تلاش می‌کردند.

و- «**لَكِنَّ**» به معنای «ولی - اما» است و برای کامل کردن پیام و ابهام جمله‌ی قبل است:

فهذا يومٌ البعثِ و لكنكم كنتم لاتعلمون: این رستاخیز است اما نمی‌دانستید.

ز- «**كَأَنَّ**» به معنی (گوی، مثل اینکه، مانند) است و گاهی اوقات برای بیان شباهت استفاده می‌شود:

كَأَنَّھِمْ الْيَاقُوْثُ وَ الْمَرْجَانُ. كَأَنَّ اَرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ.

تعریف: حرفی است که بر سر مبتدا و خبر می آید و وجود را به صورت مطلق نفی می کند و معنای «هیچ، هیچ نیست» می دهد. عملکرد لای نفی جنس همانند حروف مشبیه بالفعل است، یعنی اسم آن منصوب و خبر آن مرفوع است

شرایط اسم لا نفی جنس } فقط فتحه می گیرد
تنوین نمی گیرد }
(نکره است (هیچ کدام از معارف شش گانه اسم لای نفی جنس واقع نمی شود)

مانند: لا کاذب فائزٌ و لاخیر فی الظلم

خبر لای نفی جنس } اسم: لاتلمیذٌ غائبٌ
فعل: لامقاتلٌ یرجع من المعركة
جار و مجرور: لا معلمٌ فی المدرسة

نکات

۱) خبر لای نفی جنس بر اسمش مقدم نمی شود یعنی همیشه بلافاصله پس از لای نفی جنس، اسم آن می آید؛ بنابراین نمی گوئیم:

لا فی الصّف تلمیذٌ

۲) در صورتی که ، خبر لای نفی جنس، (اسم) باشد، باید حتماً نکره باشد: لا کاذب فائزٌ .

جمع بندی انواع «لا» در کتابهای درسی:

۱- «لا» جواب، به معنی «نه» است و در پاسخ به جملاتی است که با «أ» و «هل» آغاز می شود:

أ أنت تلميذة؟ «لا» أنا موظفة

۲- لای نهی: لایجلسُ - لاتقنؤا

۳- لای نفی: لایعلمُ - لاتضحکین

تذکره: «لا» نهی و نفی در سطح عربی یازدهم مورد بررسی قرار گرفت.

۴- لای نفی جنس: لاخیر فی قول الأمع الفعل

تذکره ۱: «لا» نهی و نفی بر سر فعل مضارع و «لا» نفی جنس بر سر اسم می آید.

تذکره ۲: در تشخیص «لا» نفی جنس شرایط «اسم لا» بسیار مهم است.

لا فقر کالجہل و لا میراث کالأدب.

اینگاه ترجمه

در تست های ترجمه به معنای حروف مشبیه بالفعل، به ویژه لیت و لعل و تأثیر آن ها در ترجمه ی فعل دقت کنید.

نوع «لا» و ترجمه ی دقیق آن در ترجمه بسیار مهم است.

لای نفی جنس به صورت «هیچ» و «هیچ نیست» ترجمه می شود.